

سبک خراسانی	سبک عراقی	سبک هندی	
<ul style="list-style-type: none"> * سادگی زبان شعر. * کمی لغات عربی به جز اصطلاحات علمی و دین. * کمی لغات بیگانه. * تفاوت تلفظ لغات. * کهنه و مهجور بودن لغات. * استفاده دو نشانه برای یک متمم. 	<ul style="list-style-type: none"> * فراوانی ترکیبات نو. * کاهش سادگی کلام، حرکت به سوی دشواری. * فراوانی لغات و ترکیبات عربی. * ورود لغات ترکی و مغولی. * همی تبدیل به می. * اندر تبدیل به در. * از میان رفتن لغات مهجور فارسی. * حذف واژه های ایدون، ایدر، ابا، ابر. * به کارگیری حرف نشانه «مر» کنار مفعول کم شده است. * پیدایش مختصات نو در چهارچوب فارسی قدیم (درهم آمیختگی مختصات نو و کهن) 	<ul style="list-style-type: none"> * گسترش دایرهٔ واژگان شعر. * از میان رفتن لغات ادبی قدیم. * ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان. * کاربرد لغات عربی کم شد. * رواج لغات ترکی. * ضعف زبان فارسی. * زبانی واقع گرا. * بی دقتی در کاربرد جمله ها و ترکیب ها. * ورود واژه های عامیانه در شعر. * راه یافتن زبان کوچه و بازار به شعر. * بی توجهی به زبان. 	زبانی
<ul style="list-style-type: none"> * قالب عمده = قصیده * شکل گیری قالب های (مسمط - ترجیع بند - منوی) * رشد غزل در اواخر این دوره. * استفاده از آرایه های طبیعی و در حد اعتدال. * سادگی قافیه و ردیف. * استفاده تشبیه حسی در توصیف پدیده ها. 	<ul style="list-style-type: none"> * رواج بیشتر قالب های شعری به ویژه غزل های عاشقانه و عارفانه و مثنوی. * خارج شدن شعر از دربار و از رونق افتادن قصیده. * به کارگیری ردیف های فعلی و اسمی دشوار. * توجه بیشتر به آرایه های ادبی (بدیع و بیان) * تثبیت جایگاه تخلص در انتهای شعر. * خوش آهنگ تر شدن اوزان شعری. * رواج داستان سرایی و مجموعه های داستانی. 	<ul style="list-style-type: none"> * کم توجهی به آرایه های ادبی، بدیع و بیان (به دلیل رواج شعر بین عامه مردم و افراد بی تخصص) * استفاده از آرایه تشبیه رایج. * نقش تلمیح در مضمون سازی. * آرایه های پر کاربرد: حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله. * شباهت مسمط به غزل. * استفاده ردیف ها طولانی و خوش آهنگ. * اکثر شاعران تک بیت گو هستند. * قالب شعری: غزل. (اما با ابیاتی طولانی حتی تا ۴۰ بیت) 	ادبی
<ul style="list-style-type: none"> * روح شادی و نشاط و خوش باشی. * واقع گرایی شعر. * توصیفات ساده، محسوس و عینی و طبیعی. * معشوق زمینی. * روح حماسه حاکم. * اشعار پند آموز: ۱ - ساده ۲ - جنبه عملی و دستوری * مضمون عمده اشعار (حماسه - مدح - اندرز) * سادگی فکر و کالم 	<ul style="list-style-type: none"> * گسترش عرفان و تصوف. * فراوانی زهد ستایی و وعظ و اندرز. * فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی (معشوق آسمانی) * رواج هجو و هزل. * رواج حس دینی. * درون گرایی در شعر و توجه به احوال شخصی. * رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی. * برتری عشق بر عقل (ستایش عشق). * غم گرایی. * فراق. * ذهن گرایی و توجه به دنیای درون. * باور به قضا و قدر. * بازتاب بیشتر علوم در شعر. 	<ul style="list-style-type: none"> * معنا گرایی نه صورت گرایی. * معنا بیش از یک بیت نمی شود. * ترجمهٔ مطالب (فلسفی - عرفانی - غنایی) گذشتگان به بیان هندی. * مضمون یابی. * ارائه خیال خاص. * شاعران به دنبال فکری جزئی که تا آن مان بیان نشده بود و تازگی داشت، بودند. 	فکری

	سبک دوره بازگشت و بیداری	سبک دوره معاصر	سبک دوره انقلاب اسلامی
تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> * ادامه یافتن قالب های شعری مانند گذشته. * توجه به قالب هایی مثل قصیده و مثنوی در اشعار افرادی از جمله ادیب الممالک و ملک الشعراء. * توجه به قالب هایی مثل مستزاد، چهارپاره و نیز سرودن ترانه و تصنیف توسط شاعرانی که به زبان عادی شعر می گفتند. * این قالب ها زمینه ظهور «شعر نو» را فراهم کردند. * عدم توجه به آرایه های بیانی و بدیعی و سنت های ادبی توسط شاعرانی که به زبان عادی شعر می گفتند. * شعر وسیله ای برای بیان مقاصد. * در نظر داشتن تخیلات سرایندگان پیشین، نوآوری در عرصه تخیل با تأثیر پذیری از اوضاع اجتماع، مانند تخیلات موجود در اشعار میرزاده عشقی. * توجه به وزن و موسیقی در شعر توسط گروه سنت گرا. 	<ul style="list-style-type: none"> * لغات و ترکیبات امروزی و جدید وارد شعر شده است. * دست شاعر برای استفاده از تمام واژه ها باز است. * سادگی و روانی زبان شعر و جمله بندی های ساده در شعر معاصر کاملاً چشمگیر است. 	<ul style="list-style-type: none"> * زبان و واژگان در قصاید این دوره به سبک خراسانی نزدیک است. * افزایش واژگان متناسب با دین، جنگ، جبهه، شهادت و ... * علاقه به استفاده از واژگان کهن و باستان گرایی. * آشنا زدایی زبانی و روی آوردن به ترکیبات تازه که در نتیجه روی آوردن به مفاهیم انتزاعی است.
ادبی	<ul style="list-style-type: none"> * ادامه یافتن قالب های شعری مانند گذشته. * ورود اندیشه های سیاسی، اجتماعی و مضامین تازه در شعر. * تغییر نگرش شاعران و نویسندگان از کلی نگری و ذهنیت گرایی به جزئی نگری و عینیت گرایی. * از کار افتادن مضامین کلی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه سرایی و غزل گویی. 	<ul style="list-style-type: none"> * تغییر در قالب های شعری مشهود است. * واحد شعر بیشتر بند است نه بیت. * آرایه های بیانی و بدیعی به صورت طبیعی وارد شعر می شود. * قالب نیمایی و سپید علاوه بر قالب های سنتی وارد شعر می شود. * در اشعار نو تساوی طولی مصراع ها رعایت نمی شود و مصراع ها از نظر تعداد پایه های آوایی هم اندازه نیستند. * ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی گریزی از ویژگی های شعر این دوره است. * صور خیال، جدید و نو هستند و تکرار تصاویر شاعران دوره های قبل نیستند. * گرایش به نماد در تصاویر شعری بیشتر می شود. * انتخاب وزن، متناسب با لحن طبیعی گفتار و زبان شعر است. 	<ul style="list-style-type: none"> * مورد توجه قرار گرفتن قالب های سنتی. * از رونق افتادن قالب نیمایی بین جوانان و انقلابیون. * رواج قالب غزل و قصیده. * تقلید از سبک عراقی و خراسانی. * گرایش به خیال بندی (شعر برخی از شاعران این دوره به شعر بیدل و صائب نزدیک می شود). * استفاده از تمثیل و نمادگرایی در سال های نخستین کمتر بود و شاعران به صراحت بیان روی آورده بودند. اما به تدریج با الهام از فرهنگ اسلامی، تمثیل و نماد در ادبیات راه پیدا کرد.
شعری	<ul style="list-style-type: none"> * تحول چشمگیر درون مایه. * ورود اندیشه های سیاسی، اجتماعی و مضامین تازه در شعر. * تغییر نگرش شاعران و نویسندگان از کلی نگری و ذهنیت گرایی به جزئی نگری و «عینیت گرایی» * از کار افتادن مضامین کلی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه سرایی و غزل گویی. * رونق گرفتن مضامین سیاسی، اجتماعی و وطنی. * شاخص ترین درون مایه های شعر عصر بیداری: ۱- آزادی ۲- وطن ۳- قانون ۴- تعلیم و تربیت جدید ۵- توجه به مردم ۶- علوم و فنون جدید. 	<ul style="list-style-type: none"> * معشوق زمینی است. * مخاطب شعر، همه مردم هستند. * تفکر شاعر بیشتر زمینی، پیرامون امور دنیوی است. * لحن شاعر صمیمانه و متواضعانه است. * مدح و ذم و هجو در شعر این دوره بسیار کم است. 	<ul style="list-style-type: none"> * توجه به مضامین و مفاهیم اسلامی به ویژه فرهنگ عاشورایی. * آشکار بودن روح عرفان و حماسه. * تلفیق بُعد زمینی حماسه و بُعد آسمانی عرفان و تلفیق این دو در غزل حماسی انقلاب. * روی آوردن به مفاهیم انتزاعی. * اصلی ترین درون مایه شعر: فرهنگ دفاع مقدس.

هندی	عراقی	غزنوی و سلجوقی	سامانی	
<ul style="list-style-type: none"> * در آمیختگی نظم و نثر. * کاربرد وجه وصفی. * جمع بستن با «ات» در کلمات. * مطابقت صفت و موصوف به تقلید از دستور زبان عربی. * آوردن تنایح اضافات. * آوردن جمالت طولانی. * کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد. * نزدیکی به زبان عامیانه. * فراوانی لغات ترکی و مغولی. * آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها. 	<ul style="list-style-type: none"> * استفاده از ترکیبات دشوار. * حذف افعال به قرینه. * کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی. * رواج تاریخ نویسی با اسلوب ساده. * سستی و ضعف در ساختار دستوری جملات. * آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان (اطناب) 	<ul style="list-style-type: none"> * اطناب. * حذف افعال به قرینه. * افزایش کاربرد لغات عربی. 	<ul style="list-style-type: none"> * ابجاز و اختصار در لفظ و معنا. * تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی. * کوتاهی جملات. * کاهش لغات کم کاربرد فارسی * بهره‌گیری کمتر از لغات عربی. * افزایش یافتن کاربرد نشانه‌ها جمع فارسی ، نشانه‌ها جمع عربی. 	زبان
<ul style="list-style-type: none"> * استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی. * تبدیل ضرب المثل فارسی به عبارات عربی بی روح. * کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر که غالباً سروده خود مؤلفان بود. 	<ul style="list-style-type: none"> * کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن. * استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر (موازنه - سجع - مراعات نظیر - تشبیه) * چهار مقاله نظامی گنجوی. * مقامات حمیدی. * کلیله و دمنه. 	<ul style="list-style-type: none"> * تمثیل و استشهد به آیات و احادیث اشعار عرب: * بیهقی * قابوس نامه * سفرنامه ناصر خسرو * سیاست نامه * کیمیای سعادت * کشف المحجوب 	<ul style="list-style-type: none"> * ساده و بدون آرایه‌های ادبی نمونه‌هایی مانند: ترجمه تفسیر طبری شاهنامه ابومنصوری تاریخ بلعمی التفهیم 	ادبی
<ul style="list-style-type: none"> * تأثیر فساد و تیره بختی. * رواج مدح و چاپلوسی. 	<ul style="list-style-type: none"> * رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی. * ضعف و انحطاط فکری. * سستی یافتن تحقیق و تتبع در میان ادیبان. * درسی کردن عرفان، شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن. * نوشتن کتاب عرفانی مهم. 		<ul style="list-style-type: none"> * محتوای نثر = علمی * گاهی نثرها = حماسی، تاریخی و دینی. 	فکری

دوره انقلاب اسلامی	دوره معاصر	دوره بازگشت و بیداری	
<p>* زبان داستان ها عامیانه است. * نثر ساده است. * با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، واژه های مربوط به فرهنگ ایثار و شهادت و مبارزه و مقاومت وارد زبان داستان این دوره شد.</p>	<p>* راه یافتن شماری از واژه های اروپایی به زبان فارسی. * کمتر شدن واژه های عربی نسبت به گذشته. * وارد شده واژه ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه به نثر داستانی این دوره. * تحت تأثیر بودن گفتار و محاوره مردم بودن نثر داستانی این دوره. * حذف بسیاری از افعال. * به هم ریختگی ساختار نحوی جملات. * کوتاهی جملات و کاربرد فعل در کلام.</p>	<p>* کم شدن لغات و ترکیبات عربی نا آشنا. * وارد شدن لغات انگلیسی، ترکی و فرانسوی به نثر. * کاهش استفاده از عبارات های وصفی دور و دراز و لفظ پردازی های بی جا در نامه ها و نوشته ها. * روانی و سادگی نثر. * هم آهنگی جمله ها در ساختار و ترکیب دستوری کلام.</p>	تجلی
<p>* گرایش به داستان های بلند از پایان دهه پنجاه تا پایان دهه شصت، بیشتر از داستان کوتاه است اما از آغاز دهه هفتاد گرایش به داستان کوتاه بیشتر می شود. * در دهه نخستین انقلاب دوری از سبک های جدید داستان دیده می شود اما به تدریج بعد از جنگ گرایش به سبک های جدید داستان نویسی مثل جریان سیال ذهن بیشتر می شود و در دهه هشتاد شاهد داستانک نویسی (مینی مال) و مدرن نویسی هستیم. * رایج شدن برخی قالب های دیگر مانند خاطره، قطعه ادبی، سفرنامه، شرح حال و نوشته های ادبی - تحقیقی.</p>	<p>* نثر مصنوع و فنی جایگاهی در سبک نثر این دوره ندارند. * توصیفات عینی، کوتاه، بیرونی و مشخص است. * قالب و ساختار داستان ها متنوع است: سفرنامه، خاطره، داستان کوتاه و بلند، نثر تحقیقی و دانشگاهی، رمان و نمایشنامه و ... * سبک های مختلف در داستان نویسی وجود دارد: مثلا بر اساس نام نویسنده: سبک هدایت، سبک جمال زاده و ...</p>	<p>* نثری ساده و گزارشی دور از تکلف و تصنع و پیچیدگی. * دور شدن نثر از صنایع و آرایه های ادبی * ابزاری برای بیان خواست و آرزوهای مردم (ظاهر شدن به شکل بویا). * حضور راوی به عنوان سوم شخص در بعضی از صحنه های داستان و سخن گفتن با خواننده و تبدیل آن به ضعف تکنیکی نویسندگان این دوره. * عدم مطابقت کامل سبک نویسندگی نویسندگان دوره مشروطه با ادبیات داستانی جدید و نوشتن داستان مطابق ذوق عامه مردم.</p>	تجلی
<p>* تنوع موضوع ها، دگرگونی های بنیادی مثل مقاومت هشت ساله مردم در جنگ تحمیلی و استکبار ستیزی، سرچشمه ای برای نویسندگان بعد از انقلاب شد. * اندیشه حاکم بر داستان ها: در دهه پس از پیروزی: سیاسی / در مرحله بعد: اجتماعی. * مضامین نثر این دوره: بی توجهی به مادیات، دعوت به اخلاقیات، استکبار ستیزی، مبارزه با بی عدالتی اجتماعی، استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار و دفاع از وطن. * در ادبیات داستانی این دوره چهره دین و دین داری بسیار مطلوب منعکس می شود. * اومانسیم (انسان گرایی) که در آثار قبل از انقلاب دیده می شود در این دوره به صورت کم رنگ دیده می شود.</p>	<p>* تنوع مضمون: داستان های اقلیمی، شهری، کودکانه و ... * نوشتن رمان های تاریخی، سیاسی، علمی فلسفی و ... * وجود رد پای آشکار اساطیر یونانی، هندی، عبری و ... * ادبیات داستانی این دوره، غیر دینی و گاه ضد دینی بود. حتی گاهی در آثار غیر دینی مبارزه با اصل اسلام و تعالیم آن دیده می شود.</p>	<p>* توجه به مفاهیمی مثل آزادی، وطن، قانون و ... توسط نویسندگان. * گسترش نثر با هدف تأثیر بر عامه مردم با ویژگی هایی مثل نوگرایی، تجدد خواهی و آزادی طلبی. * گسترش طنز سیاسی - اجتماعی. * دشمنی با استعمار و استبداد و توجه به آن در نثر روزنامه ای. * پرهیز و دوری از خرافات به ویژه در نثر داستانی. * توجه به حقوق مدنی زنان. * توجه به تعلیم و تربیت نوین و همگانی.</p>	تجلی